

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

مناک اربعین (جله سوم) - موضوع: مناک

جله پنجم - استاد اخوت ۹۵/۷/۲۹

جای تدبیر در منسک امام و امت خالی است و باید روی اینها کار صورت بگیرد. این مباحث در حرکت‌های اجتماعی و پیدا کردن غایت بلند بسیار برای انسان اهمیت دارند.

امت با امام شناخته می‌شود و برعکس. این دو بحث منسک را تشکیل می‌دهند و بدون شناخت این دو ما بدون منسک می‌شویم. بدون امام و امت ممکن است یک منسک را به جا بیاریم اما در این حالت منسک روح ندارد و فقط جنبه فردی آن مورد توجه قرار می‌گیرد. وقتی امام می‌آید حرکت جمعی تزریق می‌شود و در نتیجه منسک ریشه می‌گیرد.

نکات:

۱. باید در جمع‌های کوچک مانند خانواده امت شدن را تمرین کنیم. جمع‌هایی که به سمت امت شدن می‌روند درونشان نوعی یکپارچگی در عین تنوع وجود دارد. مثل مسجد که افراد و اصناف مختلف از زن، مرد، پیر و جوان حول محور نماز دور هم جمع شده‌اند. منسک خاصیتی دارد که از یک طرف تنوع بین افراد مثل تنوع سنی زیاد است و از طرف دیگر یکپارچگی بین آدم‌ها زیاد است و افراد به واسطه این یکپارچگی خیلی کارها را می‌توانند انجام بدهند. در جمع‌ها افراد باید تفاوت‌هایشان را بپذیرند و هر کس در جای خودش قرار بگیرد. البته این مسئله را باید تمرین کرد تا بتوان مفهوم امام را فهمید. اگر در جمع‌های کوچک مثل خانواده مفهوم پدر را نفهمیم یا در جمع‌های بزرگتر مفهوم امام را فهم نکنیم، طبیعتاً تمایل به داشتن امت در ما شکل نخواهد گرفت. اگر جمع به سمت یکپارچگی پیش برود، فرد میزان مفید بودنش دو برابر می‌شود. مثلاً اگر فردی در هفته ۱۶۸ ساعت وقت دارد و در ۱۰۰ ساعت آن کار مفید انجام می‌دهد، اگر این فرد در یک جمع قرار بگیرد باید به اندازه ۳۰۰ ساعت وقت داشته باشد و حدود ۲۰۰ ساعت کار انجام بدهد.

البته الان جمع‌های ما اینطور نیست و جمع افراد باعث نصف شدن بازدهی می‌شود. این مسئله خلاف امت است چرا که کار امت هم افزایی بین جمع‌ها و نیروها است.

امت قدرت جادویی دارد! خیلی از فیلم‌های تخیلی که خارجی‌ها می‌سازند اتفاقاً تخیلی نیست منتها به شرط اینکه امت تشکیل بشود. برای فهم امت از جمع‌های کوچک شروع کنید مثل یک مسافرت یا کار گروهی. در امت اگر یک فرد به ظاهر خیلی آدم مفیدی نباشد اگر در یک جایگاه خاص که به او نیاز است قرار بگیرد، خیلی مفید مفید واقع خواهد شد. یا گاهی خیلی از آدم‌ها از نظر فردی اخلاقشان خوب است اما در سیستم امت جایگاهی برایشان وجود ندارد. یک انسان می‌تواند در جمع‌های مختلف و در نتیجه در امت‌های مختلف حضور داشته باشد و هر امتی یک امام داشته باشد، در نتیجه تنوع در امام‌ها را خواهد داشت. مثلاً یک فرد در جمع پزشک‌ها قرار دارد و اینها خود یک امت پزشکان را شکل می‌دهند و متخصص‌ترین آدم، امامت جمع را به عهده می‌گیرد. مثلاً کار آنها هم خدمت‌رسانی به محرومین است.

جایگاه امام برای امت مثل قلب است نه مغز، که باعث دمیده شدن روح و تالیف بین افراد می‌شود. نخ تسبیح امت، امام است. اگر امت یکپارچه شود و به آن لفظ "تلك أُمَّةٌ" تعلق بگیرد، خود امت، امام هم می‌شود. به وسیله مفهوم امت و شکل‌گیری آن انسان می‌تواند شاهد تولدها و خلق‌های متنوعی شود و هر یک برای او مواهبی داشته باشد.

پس انسان می‌تواند در امت‌های مختلفی حضور داشته باشد. امت انواع مختلفی دارد که یکی از آنها امت وسط است. امت وسط امتی است که واسطه تالیف همه امت‌های دیگر است. وسط در اینجا به معنای واسطه است. امتی که حول محور توحید است و امت‌های دیگر را حول همان محور توحید جمع می‌کند. یک امت بیشتر نیست و یک امام هم بیشتر ندارد. امام در امت پرندگان آن پرنده ای است که از روی او الگوسازی صورت می‌گیرد و حرکت انجام می‌شود.

می‌توان اینطور بیان کرد که امت یک توان جمعی است که لایق یک خلق جدید می‌شود و خداوند روح جدیدی به آن می‌دمد. امت واحده توحیدی خود بهشت است و محبت‌هایی در آن ایجاد می‌شود و روابط نورانی در آن حاکم می‌شود که اصلاً ما به ازای بیرونی ندارد. اگر انسان در طول عمرش طعم یک امت را نچشد دچار محرومیت شده است.

اینکه انسان امت تشکیل دهد جزء غایت خلقت نوع انسان است (سوره مبارکه هود). تک تک انبیاء الهی همه با هم به عنوان امت واحد معرفی شده اند (سوره مبارکه انبیاء).

ارتباط امت و منسک اینطور است که منسک، عبادت امت است و محور عبادت امت، تسلیم است. (سوره مبارکه بقره)

در روایت مطرح می‌شود که وقتی لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ (حج/۶۷) نازل شد پیامبر مهاجرین و انصار را جمع کردند و این آیه را بر آنها خواند. روایت بیان می‌کند که منسک همان امام است برای هر امت و لزوم امام و طاعت او همان دین است. مفهوم بالادست منسک، دین است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: بعد من امام، علی بن ابیطالب است. مردم همان جا مخالفت خودشان را ابراز کردند. موضوع ثقیفه و مخالفت با امیرالمومنین (علیه السلام) تقریباً از سال پنجم هجرت شروع شده است و عقبه دار بوده است. بنابراین طبق روایت می‌توان گفت جریان منسک همان امام می‌شود به اعتبار آنکه از او اطاعت بشود. در روایت دیگری هم داریم که می‌گوید "حج" ملاقات امام است.

وقتی منسک معادل امام است در نتیجه زیارت امام، خود منسک است. چون در منسک جایی می‌رویم که مشق توحید کنیم تا اطاعت از امام را بفهمیم و آن را انجام دهیم. در نتیجه هر زیارتی یک نوع منسک است. بعد باید دید چه مولفه‌هایی در هر زیارتی معادل مولفه‌های منسک است. مثلاً از چه جهاتی زیارت اباعبدالله (علیه السلام) معادل طواف است؟ البته این مباحث را باید از روایت در آورد. مثلاً گفته می‌شود در زیارت بایستید بالای سر، بروید پایین پا.. و از این قبیل که در زیارت نامه‌ها بیان شده است، همین خود یک طواف است. منتها ما نمی‌خواهیم خلق عبادت کنیم.

سوال اینست که اگر زیارت یک منسک است چرا اسم آن را زیارت گذاشته‌اند و نگفته‌اند که منسک است؟ دلیلش این است که زیارت امام مثل زیارت خانه خدا نبوده است. زیارت‌های ائمه نوعاً با سختی‌های بسیار زیاد همراه بوده که برای زیارت خانه خدا اینطور نبوده است. زیارت در آن زمان خلاف معمول یک زندگی بوده و کار سختی هم بوده است. تا قبل انقلاب همینطور بوده است. در گذشته اگر کسی قصد زیارت داشت باید به اندازه دو ماه پول جمع می‌کرد و از طرفی همه حقیقتاً با او خداحافظی می‌کردند چون امید زیادی به برگشت او نبوده است. اما با اینحال زیارت توصیه شده بود و محتوای روایات مربوط به این نوع زیارت‌ها بوده است، نه اینکه روایات در مورد ما صدق نمی‌کند. وقتی در روایت گفته می‌شود زیارت بروید در

حال "عارفا بحقه"، همین که کسی با آن شرایط سخت به زیارت می‌رفت یعنی ایمان داشته و عارف بحقه بوده است.

علت دوم اینست که جنبه منسک را از زیارات گرفته‌اند چرا که زیارات بصورت فردی انجام می‌گرفته و لذا با زیارت‌های فردی ممکن است افراد خودشان اعتلا پیدا کنند اما هیچ اتفاقی برای امت ها نمی‌افتد. اگر زیارت صورت بگیرد باید توان جمع افزوده شود. زیارتی منسک است که همدلی ایجاد کند و توان انسان را زیاد کند. الان مفهوم امام و منسک مفاهیمی در راستای مفهوم امت نیستند.

مفهوم امت از امام پررنگ تر است زیرا تا امت شکل نگیرد اصلا امام معنا پیدا نمی‌کند و جاری نمی‌شود. امت مثل جسم است که اول باید تشکیل شود و بعد امام به عنوان روح در آن جاری شود. در نتیجه امت شدن خیلی مهم است و این امر با "لیله القدر" اتفاق می‌افتد. یعنی در ليله القدر مقدرات عده‌ای رقم می‌خورد که تالیفی بینشان اتفاق بیفتد که امام به آنها نازل شود. جایگاه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در جاری شدن نظام امامت در عالم، امت سازی است. حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) ليله القدری است که حداقل بین عاشوراییان یا ۱۴ معصوم یا پاکان عالم، تالیف ایجاد می‌کند. جمع‌ها در همان مرحله که امت می‌شوند لایق امام می‌شوند و تا قبل از آن مراحل نطفگی، علقگی و مضغگی‌شان است. نام‌هایی که به حضرت زهرا (سلام الله علیها) اطلاق شده است نام "ام" یعنی امت ساز است؛ مثل ام اییها، ام الائمه و نام‌های دیگر که محور امت شدن ائمه هم آنها است. حضرت صدیقه (سلام الله علیها) مادر به اعتبار به دنیا آوردن نیست بلکه پیوسته حجت ائمه است. مفهوم "ام" یک مفهوم جریان دار است نه تنها موسس.

ادعیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) منشور امت‌سازی حول محور ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) است. اگر بخواهیم امت به وجود بیاوریم، منشور لازم داریم که این مسئله از انطباق ادعیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) با ادعیه دیگر ائمه (علیهم السلام) بدست بیاید.

اینکه ۱۲ امام داریم که نقیب یکدیگرند یعنی تنوع سلیقه‌ها مد نظر قرار گرفته است. "نقب" جایی است که آن را می‌کنند تا به آب برسند و برای همین هم هر یک ساختار متفاوتی دارند. در نتیجه در نظام امامت تفاوت‌های ذائقه مد نظر قرار می‌گیرد.

قاعده امام، رجوع به اوست که در مورد رسول اینطور نیست. یعنی حتما جمعی باید طلب کنند تا نظام امامت جاری شود. پس در آخرالزمان تا حد نصاب افراد لازم برای قیام، فراهم نشود ظهور صورت نمی‌گیرد.

۲. سفر اربعین سفر واجبی نیست. اگر به عُسر و حَرَج می‌افتید نباید بروید. خود را به تگلف نیندازید. آدم باید از بی تفاوتی‌های مردم نسبت به جامعه دق کند.. قرار بگذارید هر کس بعد از اربعین یک کار فقط برای اصلاح جامعه انجام دهد. می‌بینید خیلی از آدم‌ها حاضرند جانشان را بدهند و از حرم دفاع کنند اما تنها همین باعث ظهور نمی‌شود یعنی این کار خیلی واقعی نیست. اگر به این فرد بگویید دو خط کتاب بخوان او حاضر نیست این کار را انجام دهد. اگر بگویید قرآن بخوان، اصول کافی بخوان تا صورت و سیرت امام را بشناسی، این کار را نمی‌کند! این که فقط جانت را بدهی، کافی نیست! اگر من طلب امام داشته باشم باید حداقل چهار روایت باشم از نهج البلاغه خوانده باشم. اگر امام زمان را دوست داشته باشم، نباید قرآن را خوانده باشم؟! اصلاً بحث نیاز به امام وجود ندارد.. ادبیات قرآن حاکم نیست. هرکسی اگر بگوید نیاز به امام وجود دارد به او می‌گوییم آیا امام را در قرآن دیدی؟! اگر صورت وجودی ایشان حاضر نبود، اما حداقل صورت کتبی امام در قرآن بود. آدم اگر علاقه به امام دارد چرا خود را از صورت کتبی او محروم کند؟! این یک بحث کاملاً عقلانی است. کسی که امام را دوست دارد به قرآن رجوع می‌کند. مفهوم قرآن خواندن برای ۹۹ درصد از علما، مسئولین و خواص جامعه بی‌معناست!..

۳. بزرگترین خواسته در یک زیارت برای آدم توحید است. اینکه خدا او را موحد کند.

بزرگترین کشف، کشف مقام امت واحده توحیدی است که بوسیله ادعیه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) حاصل می‌شود. اگر کسی زیارت عتبات رفت یک دور ادعیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) را بررسی کند تا ببیند منشور اتحاد همه ائمه چیست.

بزرگترین وظیفه انسان، فهم ماموریتی است که خدا به او در این امت واحده توحیدی داده است. انسان باید جایگاه و مسئولیت خود را در امت واحده توحیدی کشف کند.

بزرگترین کاری که انسان می‌توان بکند، بیعت با امام است و بیعت با امام همان بیعت با قرآن است.

بزرگترین حاجتی که می‌تواند داشته باشد، صلوات است.

بزرگترین هدف کاربردی که می‌تواند داشته باشد، داشتن مقاصد برای تالیف دیگران است.

بزرگترین نقشه راه، اقامه نماز و ایتای زکات است.

بزرگترین علمی که بدست می‌آورد علم به آخرت و عملیاتی کردن این علم است.

بالاترین اخلاقی که می‌تواند داشته باشد، دنیا‌گریزی است.

در زیارت، کسی برای گرفتن حاجت نمی‌رود. البته اگر حاجتی را هم خواست هم اشکال ندارد. بلکه می‌رود بیعت کند و ماموریت بگیرد. در صورتی زیارت یک نفر قبول است که با امام بیعت کرده و ماموریت گرفته باشد.. نمی‌شود یک نفر به زیارت برود و بعد غم مردم برای او اهمیت نداشته باشد. اسم این‌ها زیارت نیست. شاخصه‌های قبول زیارت بعد از زیارت، همدلی با مردم و منفعت دار شدن است. کسی که برای مردم نافع‌تر شده باشد بعد از زیارت، یعنی زیارتش مورد قبول قرار گرفته است. در نتیجه به تعداد دفعاتی که کسی زیارت می‌رود باید نفعش برای بقیه بیشتر شود، قدرتش بیشتر شود.

مباحث مناسک خیلی آن طور که دلخواه و دلچسب باشد گفته نشد و شاید فقط سوال در ذهنتان ایجاد کرد. البته هدف هم همین ایجاد سوال بود. چون سه بحث سنگین منسک، امام و امت در تلفیق با هم مطرح شدند. همین که خدا عنایت کرده است و این مباحث جاری شده است نشان می‌دهد که رزق ما و جامعه است و قرار هست که اتفاقاتی بیافتد و اربعین به سمت منسک شدن پیش برود و بین افرادی که اربعین می‌روند، تالیف و ارتباط ایجاد شود و امت سازی صورت بگیرد، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات